صیانت، حکمت تعلق حق به عین؛ اقصر الطرق

بحث ما این شد: شارع، مالک را مختار کرده که به اینها مراجعه کند.

شاگرد۳: منظورتان از اقصر الطرق، این نیست که لازمه‌اش نزدیک‌ترین و دردسترس‌ترین ایده باشد و چه بسا منظور پرمصلحت‌ترین راه این باشد که شخص اختیار کند؛ یعنی این حق را به او بدهیم که به هر کدام خواست مراجعه کند.

استاد: من وارد فرمایش آقا نشدم. درست است. این، حرف خوبی است. یعنی شواهد متعددی در فقه داریم که گاهی برای پایه یک حکم، [بهترین راه در نظر گرفته می‌شود و در مرحله بعدی، شرایط مختلف لحاظ می‌شود]. در اینجا، به عنوان یک فرع حقوقی که سر و کار ما با استیفاء حق مالک است، نه استیفاء مالکی که یک غرض شخصی دارد؛ فعلاً با اغراض او کاری نداریم؛ ما داریم یک بحث حقوقی را سر می‌رسانیم. ما بهترین راه را می‌گذاریم و بعداً می‌گوییم منظورمان از بهترین راه و اقصر الطرق، استیفاء بود، اما اگر کسی می‌خواهد سوء استفاده کند، از طرق دیگری که یکی از راحت‌ترین آنها حکم حاکم است، [راه سوء استفاده را می‌بندیم]؛ یعنی اگر به‌خاطر غرضی به کسی مراجعه کرد، شخص مراجعه شونده در شرائطی، می‌تواند به حاکم مراجعه کند و بگوید این آقا با غرض فاسد من را به اینجا کشانده است؛ آن وقت، حاکم نسبت به مالک مختار، مجاز به همین چیزی است که ایشان گفتند؛ یعنی حاکم می‌گوید اینکه شارع اقصر الطرق را گفته، اقصر صرف دلبخواهی که بخواهد سوء استفاده کند، نبوده، اقصر به‌معنای اصلح بوده است. اما در اینجا، این افسد است. این مراجعه‌ای است که حاکم عادل می‌فهمد که این افسد است. حالا این فعلاً برای بعد باشد.

خب در اینجا چکار کنیم؟ گام بعدی را ملاحظه بفرمایید؛ وقتی مالک، مختار شد و احتمال دادیم که مالک از راحت‌ترین راه حقش را استیفاء کند، وقتی عین هست که مشخص است. اما وقتی عین نیست این مالک چکار کند؟ قرار ضمان و استقرار و مراجعه به اینها به میان می‌آیند. مواردی در فقه هست که حق به ذمه تعلق می‌گیرد و در موارد دیگر، حق به عین تعلق می‌گیرد. در چندین جای فقه مطرح است که بحث خیلی دقیقی است. من مکرر در ذهنم می‌آمد که از افتخارات فقه شیعی است.

آنچه که همه با آن مأنوس هستیم، این است که ذمه کسی به کی مالی مشغول باشد. همه از مشغول شدن ذمه سر در می‌آوریم – مثل جایی که طلبکارش هستیم و دائن و مدیون داریم - اما در فقه، مواردی هست که اینگونه نیست که بگوییم صرفاً ذمه این مدیون مشغول است، بلکه شارع به خاطر حکمت‌هایی – که یکی از آنها همین چیزی است که ما مقدمه‌چینی کردیم- می‌گوید درست است که شما مدیون هستید، اما غیر از تو، پای عین خارجی هم گیر است. اینجاست که فقها می‌گویند در اینجا یک حقی به عین تعلق گرفته، نه فقط به ذمه آن شخص. این، یک جور صیانت است. صیانتی که موارد‌ش را که بعداً عرض می‌کنم، روشن‌تر می‌شود.

بازبینی #2
ایجاد شده 21 اوت 2025 15:29:15 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 اکتبر 2025 12:23:30 توسط ... .